

## سیمای حضرت فاطمه علیها السلام در آئینه وحی

حجت الاسلام والمسلمین محمد سبحانی نیا \*

### مقدمه

در رابطه با شخصیت نگین جهان و جنان حضرت فاطمه علیها السلام، پژوهش‌های مختلفی با رویکردهای تاریخی، حدیثی، کلامی و قرآنی از سوی محققان صورت گرفته است. در آیات متعددی از قرآن، به حضرت فاطمه علیها السلام اشاره شده است. درباره شمارگان آیات مربوط به حضرت فاطمه علیها السلام، نظرات متفاوتی ارائه شده است. گاهی از ۶۰ آیه در ۴۱ سوره قرآن،<sup>۱</sup> و گاهی از ۱۳۵ آیه در ۶۷ سوره نام برده‌اند.<sup>۲</sup> عبدالحسین بن محمد علی خوشنویس اصفهانی، در کتاب خود ۱۰ آیه قرآن را درباره حضرت فاطمه علیها السلام مورد بحث قرار داده است.<sup>۳</sup> ابوالفضل واصف نیز در کتاب فاطمه زهرا علیها السلام از نظر آیات قرآن، ۳۰ آیه را منطبق با شأن حضرت فاطمه علیها السلام می‌داند که بر آن حضرت تأویل یا تطبیق شده‌اند.<sup>۴</sup> کم یا زیاد بودن تعداد آیات مربوط به حضرت فاطمه علیها السلام به خاطر نوع انتخاب و گزینش نویسندگان است. گاهی شأن نزول آیات مربوط به ایشان بوده و گاهی تأویل و بطن آیه مربوط به حضرت فاطمه علیها السلام است و گاهی نیز آیه به ایشان تفسیر شده یا حضرت فاطمه علیها السلام از مصادیق آن شمرده و به اصطلاح تطبیق شده است. بعضی از آیات تنها بر شخصیت حضرت زهرا علیها السلام دلالت دارد.

از آنجا که بررسی همه آیات از حوصله این نوشتار خارج است، به مهم‌ترین آن‌ها که در کتب اهل سنت نیز بیان شده است، می‌پردازیم.

\* عضو هیئت علمی دانشگاه کاشان، گروه معارف.

۱. محمد علی حلو، ما نزل من القرآن فی شأن فاطمه الزهرا علیها السلام.

۲. علی حیدر مؤید، فضائل فاطمه الزهرا علیها السلام فی الذکر الحکیم.

۳. عبدالحسین قدسی خوشنویس و سید جواد میرشفیعی، سیمای حضرت فاطمه علیها السلام در قرآن کریم.

۴. محمد واصف، فاطمه زهرا علیها السلام از نظر آیات قرآن.

## ۱. آیه مباحله

یکی از آیاتی که شأن نزول آن مربوط به حضرت فاطمه علیها السلام است، آیه ۶۱ آل عمران یا همان آیه «مباحله» است:

فَمَنْ حَاكَمَكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ؛ هر گاه بعد از علم و دانشی که (درباره مسیح) به تو رسیده، (باز) کسانی با تو به محاجّه و ستیز برخیزند، به آن‌ها بگو: بیاید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما هم فرزندان خود را؛ ما زنان خویش را دعوت نماییم، شما هم زنان خود را؛ ما از نفوس خود دعوت کنیم، شما هم از نفوس خود؛ آن گاه مباحله کنیم؛ و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.

واژه «مباحله» در اصل به معنای تضرع و زاری، و در اصطلاح به معنای آن است که دو نفر همدیگر را لعن و نفرین و درخواست عذاب و بلا کنند و از خداوند بخواهند دروغگو را رسوا نماید.<sup>۱</sup> درباره شأن نزول آیه گفته شده است:

گروهی از مسیحیان نجران خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدند و درباره حضرت عیسی علیه السلام گفت و گو کردند. آنان حضرت عیسی علیه السلام را فرزند خدا می دانستند و تولد فرزندی بدون پدر را باور نمی کردند و به سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله درباره تولد حضرت عیسی علیه السلام اعتراض می کردند. پس از لجاجت و نپذیرفتن استدلال پیامبر صلی الله علیه و آله و به قول فخر رازی، پس از به پایان رسیدن مرحله سخن، دستور مباحله نازل<sup>۲</sup> و قرار شد فردا با هم مباحله کنند. پیامبر صلی الله علیه و آله به مسیحیان نجران فرمود: «طرفین دست به سوی آسمان بلند کنیم و از خداوند بخواهیم که جبهه حق را پیروز گرداند و جبهه باطل و دروغگو را ریشه کن نماید». فخر رازی در تفسیر معروف خود روایتی آورده است که پیامبر صلی الله علیه و آله از منزل خارج شد و بر شانه مبارکش جامه‌ای از موی سیاه بود. حسین علیه السلام را بر دوش (یا در آغوش) خود داشت و دست حسن علیه السلام را گرفته بود و فاطمه علیه السلام پشت سر ایشان و علی علیه السلام، پشت سر فاطمه علیه السلام به طرف محل مباحله به راه افتادند. پیامبر صلی الله علیه و آله به عزیزانش فرمود: «هر گاه من دعا کردم، شما آمین بگویید». <sup>۳</sup> پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد: «اللَّهُمَّ

۱. احمد ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۳۱۱.

۲. فخرالدین محمد بن عمر رازی، مفاتیح الغیب (تفسیر کبیر)، ج ۸، ص ۲۴۶.

۳. همان، ص ۲۴۷.

هُؤُلَاءِ أَهْلِي؛ پروردگارا اینان اهل بیت من هستند». پس رو به آنان کرد و فرمود: «چون من دعا کردم، شما آمین بگویند». <sup>۲</sup> در روز مورد توافق طرفین که مشهور مورخان این رویداد را در سال دهم و برخی در سال نهم ذکر کرده‌اند، وقتی اسقف مسیحیان پیامبر صلی الله علیه و آله را دید که با بهترین عزیزانش پا در میدان گذاشته است، ترس او را فراگرفت و گفت: «ای گروه نصارا! من چهره‌هایی را می‌بینم که اگر از خدا بخواهند کوهی را از جایش بر کند، خدا به حرمت آن‌ها آن کوه را از جا بر می‌کند. پس با او مباحله نکنید که نابود می‌شوید و تا روز قیامت، یک نصرانی بر روی زمین باقی نمی‌ماند». <sup>۳</sup> به همین دلیل آن‌ها از مباحله منصرف شدند و با قبول تعهداتی با پیامبر صلی الله علیه و آله مصالحه کردند.

اصل شأن نزول فوق بیش از ۵۱ طریق و از ۳۹ نفر از اهل بیت علیهم السلام، صحابیان و تابعان حکایت شده است. <sup>۴</sup> زمخشری این آیه را قوی‌ترین دلیل برتری اصحاب کساء بر دیگران دانسته است. <sup>۵</sup> آلوسی می‌گوید: «دلالت آیه بر فضیلت آل پیامبر صلی الله علیه و آله برای هر مؤمنی بی‌تردید است». <sup>۶</sup> پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به جای «نساءنا» (که کلمه جمع، و حداقل آن سه نفر است) تنها حضرت فاطمه علیها السلام را برای مباحله همراه برد و حال آن‌که در آن زمان چندین نفر از امهات المؤمنین حضور داشتند، ولی آن حضرت هیچ کدام از همسران خود را برای مباحله نبرد؛ زیرا او باید کسانی را به همراه می‌برد که اگر نبی نباشند، شریک کار رسالت و نبوت او باشند و حضرت فاطمه علیها السلام چنین بود. در مباحله باید دروغ‌گویان رسوا شوند؛ بنابراین اگر پیامبر صلی الله علیه و آله کسی را می‌برد که در عمر خود دروغ گفته باشد، دیگر او نمی‌توانست بر دروغ‌گویان لعنت بفرستد؛ زیرا خودش از اول دروغ گفته است.

نکته مهم دیگر آنکه آیه فوق، نمودار هم‌طرازی فاطمه علیها السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله و سایر معصومین علیهم السلام است؛ زیرا به نظر علامه طباطبایی رحمته الله در جریان مباحله، حضرت با همسر و فرزندانش هم در اصل مدعا (اینکه حق با آنان است) و هم در دعوت به حق، با پیامبر صلی الله علیه و آله اسلام شریک بوده‌اند؛

۱. سید هاشم بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۶۳۰.

۲. جلال‌الدین عبدالرحمان بن کمال‌الدین سیوطی و محمد بن احمد محلی، تفسیر الجلالین، ص ۶۱.

۳. فخرالدین محمد بن عمر رازی، مفاتیح الغیب (تفسیر کبیر)، ج ۸، ص ۲۴۷.

۴. علی بن موسی ابن طاووس، سعد السعود، ص ۹۱.

۵. محمود بن عمر زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۱، ص ۳۷۰.

۶. محمود بن عبدالله آلوسی، روح المعانی، ج ۲، ص ۱۸۱.

زیرا کلمه «الکاذبین» به صورت جمع آمده است و اگر طرف دعوا و دعوت تنها شخص پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می بود، چنین تعبیری آورده نمی شد.<sup>۱</sup> بنابراین گرچه نبوت و دریافت وحی تشریحی مختص به وجود حضرت ختمی مرتبت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است، اما ولایت - که یکی از شئون آن، دعوت به حقایق الهی است - در اهل بیت آن حضرت از جمله حضرت فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَام نیز وجود دارد.

## ۲. آیه تطهیر

یکی دیگر از آیات قرآن که ناظر به فضیلت حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام است، آیه تطهیر است: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً»<sup>۲</sup> خدا فقط می خواهد پلیدی و [گناه] را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد».

لفظ «إِنَّمَا» در زبان عربی، بیان کننده حصر و انحصار مطلبی است. به گفته علامه طباطبایی رحمته الله، آیه شریف تطهیر دارای دو انحصار است که عبارتند از: انحصار اراده و خواست خداوند متعال در تطهیر و دور کردن پلیدی و انحصار این عصمت و دوری از پلیدی ها و عیوب در اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام.<sup>۳</sup>

راغب اصفهانی درباره معنای «رجس» می نویسد: «رجس، چیز پلید است و آن بر چهارگونه است: رجس طبیعی، رجس عقلی، رجس شرعی و رجسی که جامع همه این ها است؛ مانند میته».<sup>۴</sup>

«اهل البیت»، اصطلاحی ترکیب یافته از دو کلمه «اهل» و «بیت» است. اگر چه «اهل البیت» در لغت و در عرف قرآن، بر همه کسانی که با صاحب بیت ارتباط دارند و از نظر عرف اهل آن خانه محسوب می شوند مانند همسر انسان اطلاق می شود؛ چنانکه بر همسر حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام اطلاق شده است،<sup>۵</sup> اما «اهل البیت» در آیه تطهیر به دلالت روایات متواتر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و نیز دلایلی که در متن آیه تطهیر وجود دارد، معنای لغوی و عرفی آن مراد نبوده؛ بلکه مقصود پنج تن آل عبا هستند. سیوطی در کتاب خود که از معروف ترین کتب احادیث تفسیر قرآن

۱. سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۲۲۵.

۲. احزاب: ۳۳.

۳. سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۳۰۹.

۴. حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۳۴۲.

۵. هود: ۷۳.

اهل سنت است، حدود ۲۰ حدیث در ذیل این آیه نقل کرده است که در ۱۵ حدیث از آن‌ها آمده است که آیه فوق درباره پنج تن مقدس، یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و حسن و حسین علیهم السلام نازل شده است.<sup>۱</sup>

روایات فراوانی درباره «حدیث کساء» به طور اجمال وارد شده است که از همه آن‌ها چنین استفاده می‌شود که پیامبر صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و حسن و حسین علیهم السلام را فرا خواند - و یا به خدمت او آمدند - و عبابی بر آن‌ها افکند و گفت: «اللَّهُمَّ لِكُلِّ نَبِيٍّ أَهْلًا وَ إِنَّ هَؤُلَاءِ أَهْلِي؛ خداوند! هر پیامبری خاندانی دارد و این‌ها خاندان منند.» در این هنگام آیه فوق نازل شد. دانشمند معروف، حاکم حسکانی نیشابوری در شواهد التنزیل این روایات را به طرق متعدد از راویان مختلفی گردآوری کرده است.<sup>۲</sup>

برخی با توجه به اینکه ابتدا و انتهای آیات درباره زنان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله است، گمان کرده‌اند که شأن نزول این آیه نیز همسران نبی اکرم صلی الله علیه و آله است؛<sup>۳</sup> اما قرائنی نشان می‌دهد که این ادعا تنها اجتهادی بی دلیل در برابر نص است که اعتباری ندارد. این قرائن عبارتند از:

۱. قرآن کریم در مواردی به نحو خاصی و با عتاب با زنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سخن گفته است.<sup>۴</sup> در نتیجه آن‌ها نمی‌توانند «مطهرون» باشند.

۲. در این آیات بعد از ۲۰ ضمیر جمع مؤنث، لحن خداوند عوض و به جای آن ضمیر مذکر آورده شده است و این، بزرگ‌ترین قرینه است که باید از ظهور سیاق ادعا شده، دست برداشت و نباید آیه تطهیر را خطاب به زنان پیامبر صلی الله علیه و آله دانست.

۳. پیامبر صلی الله علیه و آله به مدت شش ماه یا بیشتر هر روز صبح برای اقامه نماز به مسجد مشرف می‌شد، بر در منزل فاطمه علیها السلام و علی علیه السلام می‌ایستاد و می‌فرمود: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا».<sup>۵</sup>

۴. هیچ یک از زنان پیامبر صلی الله علیه و آله ادعا نکرده‌اند که آیه تطهیر شامل ما نیز می‌شود، بلکه خلاف آن را نقل کرده‌اند.

۵. الف و لام در کلمه «اهل البيت»، برای عهد است و به حادثه‌ای که اتفاق افتاده است، اشاره

۱. جلال‌الدین عبدالرحمان بن کمال‌الدین سیوطی، الدر المنثور، ج ۵، ص ۱۹۸.

۲. عبیدالله بن احمد حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۱۸.

۳. اسماعیل بن عمر ابن‌کثیر دمشقی، تفسیر القرآن العظیم (تفسیر ابن‌کثیر)، ج ۶، ص ۳۷۰.

۴. احزاب: ۳۳ - ۲۸.

۵. عبیدالله بن احمد حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۱۸.

دارد؛ یعنی کلمه «اهل البیت» مانند کلمه «یوم الدار» است. هم‌چنانکه «یوم الدار» عنوان مشخص برای روزی است که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عده‌ای را در خانه ابوطالب جمع کرد و نبوتش را اعلام فرمود، «اهل البیت» نیز عنوان خاصی است که از کسانی حکایت می‌کند که در خانه معین و در روز معینی زیر عبا پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بوده‌اند.

### ۳. سوره کوثر

سوره کوثر کوچک‌ترین سوره قرآن و جزء پر بارترین و پر برکت‌ترین سوره‌های قرآن است. کلمات این سوره، یعنی «اعطینا»، «کوثر»، «صلِّ لربک وانحر» در هیچ جای دیگر قرآن بیان نشده است. در حقیقت این سوره دربرگیرنده سه پیشگویی بزرگ است:

۱. از یک سو اعطای خیر کثیر را به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نوید می‌دهد؛
۲. از سوی دیگر خبر می‌دهد که نسل و دودمان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به طور فراوان در جهان وجود خواهند داشت.

۳. از سوی دیگر خبر می‌دهد که دشمنان او ابتر خواهند بود.

در باره شأن نزول این سوره گفته‌اند زمانی که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دو فرزندش «عبدالله» و «قاسم» را از دست داد و دشمنان آن حضرت برای تضعیف روحیه او زبان به طعن و شماتتش گشودند، عاص بن وائل او را ابتر خواند<sup>۱</sup> که در لغت عرب به معنی دم‌بریده است و به شخصی که نسلش منقطع شده باشد، اطلاق می‌شود.<sup>۲</sup> خدای سبحان با نزول این سوره پیامبرش را خشنود کرد و فرمود: «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ؛ ما کوثر را به تو عطا کردیم، پس به شکرانه این نعمت، برای پروردگارت نماز بگذار و شتر قربانی کن؛ همانا که دشمن تو ابتر و مقطوع‌النسل است».

کوثر از ریشه کثرت، و مراد از آن خیر فراوان است.<sup>۳</sup> صاحب‌نظران درباره مصداق «کوثر»، دیدگاه‌های متعددی را بیان کرده‌اند تا جایی که فخر رازی در تفسیر کبیر ۱۵ مصداق برای آن شمرده است؛<sup>۴</sup> مانند نبوت، قرآن، کثرت اصحاب و یاران و نهری در بهشت. برخی مفسران، ۲۶

۱. جلال‌الدین عبدالرحمان بن کمال‌الدین سیوطی، الدر المنثور، ج ۶، ص ۴۰۱.

۲. حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۳۶.

۳. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۸۳۶.

۴. فخرالدین محمد بن عمر رازی، مفاتیح الغیب (تفسیر کبیر)، ج ۳۲، ص ۳۱۷-۳۱۳.

قول نقل کرده‌اند که مرحوم علامه طباطبایی رحمته الله در المیزان نیز به آن اشاره کرده است.<sup>۱</sup> توجه به خصوصیت‌های واژه «کوثر» و «ابتر» ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که تمام مصادیق ارائه شده، یا از جهت جری و تطبیق و یا بیان مصداق اخروی آن است؛ در حالی که سؤال این است که در زمان نزول سوره، چه چیزی مصداق کوثر است که همه بدگویی‌هایی را که مشرکان به پیامبر صلی الله علیه و آله داده بودند، پاسخ دهد، قابلیت دوام داشته باشد و از او چیزهای زیادی منشعب شود و در عین حال جنبه منت‌گذاری خداوند بر پیامبرش را با خود همراه داشته باشد؟ تمام این موارد فقط در وجود حضرت فاطمه زهرا علیها السلام جمع می‌شود که خداوند نسل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را از طریق ایشان تداوم بخشید و نسل خلافت از رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز از فرزندان ایشان ادامه پیدا کرده است.<sup>۲</sup>

به نظر علامه طباطبایی رحمته الله با در نظر گرفتن اینکه کلمه «ابتر» در ظاهر به معنای مقطوع‌النسل است، چنین به دست می‌آید که منظور از کوثر، تنها و تنها کثرت ذریه‌ای است که خدای تعالی به آن جناب ارزانی داشته است. شاهد دیگر علامه بر این معنا، روایاتی است که بیان می‌دارد سوره مورد بحث در پاسخ کسی نازل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله را به نسل نداشتن زخم‌زبان زد و این زخم‌زبان هنگامی بود که قاسم و عبدالله دو فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا رفتند.<sup>۳</sup> فخر رازی، مفسر بنام و متعصب اهل سنت، بر این واقعیت به عنوان یکی از معانی احتمالی کوثر معترف است و می‌گوید:

مراد از کوثر، فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله است؛ چون این سوره در ردّ کسی که بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله طعن زد که فرزند ندارد، نازل شد؛ لذا معنای کوثر آن است که خداوند نسلی را به او عطا فرمود که در گذر زمان باقی ماندند. ملاحظه کن! چقدر از اهل بیت به قتل رسیدند، در عین حال جهان پر از فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله است، در حالی که از بنی امیه فرد قابل اعتنایی باقی نمانده است. ببین که چه میزان در میان آنان از علمای بزرگ به چشم می‌خورد، مثل باقر و صادق و کاظم و رضا علیهم السلام و نفس زکیه و امثال آنان.<sup>۴</sup>

۱. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۳۷۰.

۲. محمدرضا قضاوی و دیگران، «بررسی مصداق کوثر در سوره کوثر در تفاسیر روایی شیعه و سنی»، ص ۱۵۰ - ۱۲۷.

۳. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۳۷۰.

۴. فخرالدین محمد بن عمر رازی، مفاتیح الغیب (تفسیر کبیر)، ج ۳۲، ص ۳۱۳.

## فهرست منابع

### کتاب

۱. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، قم: دارالفکر، ۱۳۹۹ق.
۲. ابن طاووس، علی بن موسی، سعد السعود، قم: دارالذخائر، [بی تا].
۳. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم (تفسیر ابن کثیر)، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.
۴. آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۵. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.
۶. حسکانی، عبیدالله بن احمد، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ق.
۷. حلو، محمدعلی، ما نزل من القرآن فی شأن فاطمه الزهراء علیها السلام، چاپ دوم، بیروت: دارالکتب الاسلامی، ۱۳۸۵ق.
۸. رازی، فخرالدین محمد بن عمر، مفاتیح الغیب (تفسیر کبیر)، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، چاپ چهارم، دمشق: دارالقلم، ۱۴۱۶ق.
۱۰. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
۱۱. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن کمال الدین و محمد بن احمد محلی، تفسیر الجلالین، چاپ اول، بیروت: مؤسسه النور للمطبوعات، ۱۴۱۶ق.
۱۲. طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۱۴. قدسی خوشنویس، عبدالحسین و سید جواد میرشفیعی، سیمای حضرت فاطمه علیها السلام در قرآن کریم، چاپ دوم، تهران: نورالاصفیاء، ۱۳۸۲ش.



سیمای حضرت فاطمه علیها السلام در آئینه وحی ■ ۴۵

۱۵. مؤید، علی حیدر، فضائل فاطمه الزهراء علیها السلام فی الذکر الحکیم، قم: مکتبه الحیدریه، ۱۳۸۰ ش.

۱۶. واصف، محمد، فاطمه زهرا علیها السلام از نظر آیات قرآن، قم: دارالنشر، ۱۳۵۱ ش.

#### مقالات

۱. قضایی، محمدرضا، «بررسی مصداق کوثر در سوره کوثر در تفاسیر روائی شیعه و سنی»، دوفصلنامه پژوهش‌های تفسیر تطبیقی، شماره دهم، دوره پنجم، ۱۳۹۸، ص ۱۵۰\_۱۲۷.